

«بدیع» از بلاغت

دکتر سید جواد مرتضایی
عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد



سرشناسه	: مرتضایی، جواد، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: «بدیع» از بلاغت / سیدجواد مرتضایی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات زوار، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۶ ص.
شابک	: 978-964-401-524-3
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: بدیع
موضوع	: معانی و بیان
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ب ۴ م / PIR ۳۳۶۱
رده‌بندی دیویی	: ۲۴ / ۸ فا ۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۷۹۴۱۲



انتشارات زوار

□ «بدیع» از بلاغت □

□ تألیف / دکتر سیدجواد مرتضایی □

□ لیتوگرافی و آماده‌سازی چاپ / «...» □

□ نظارت بر چاپ و صحافی / فرناز کریمی □

□ چاپ / خاشع □

□ صحافی / خاشع □

□ نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۴ □

□ شمارگان / ۵۵۰ نسخه □

□ شابک / ۳-۵۲۴-۴۰۱-۹۶۴-۹۷۸ □

□ نشانی: تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - نبش شهید وحید نظری - پلاک ۲۷۸

تلفن: ۶۶۴۶۲۵۰۳ - ۶۶۴۸۳۴۲۳ - ۶۶۴۸۳۴۲۴ - نمابر: ۶۶۴۸۳۴۲۴

قیمت: ۱۶۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۷.....	مقدمه
۲۱.....	فصل اول
۲۱.....	«بدیع» در لغت
۲۱.....	«بدیع» در اصطلاح
۲۳.....	کارکرد صنایع بدیعی
۲۴.....	مختصری از آغاز تدوین بلاغت عربی پس از ادب معر تا آغاز دوره انحطاط (قرن ۷ ه.ق)
۲۸.....	تفکیک بدیع از سایر علوم بلاغی
۲۸.....	سیری کوتاه در مهم ترین آثار بلاغی/بدیعی عربی
۳۳.....	سیری کوتاه در برخی بدیعی‌های عربی
۳۵.....	نگاهی گذرا به سیزده اثر بدیعی فارسی
۴۳.....	نگاهی به بلاغت از منظر زبان شناسی
۴۶.....	فنون بلاغی زائد و فاقد ارزش بلاغی و صنایع و فنون تکراری و همپوشان در کتاب «ابداع البدایع»
۶۵.....	نگاهی گذرا به برخی بدیعی‌های فارسی
۶۷.....	فصل دوم

آسیب شناسی علم بدیع	۶۷
خودآگاهی و ناخودآگاهی در ایجاد صنایع بدیعی	۷۲
«تأثیر» مهمترین اصل ارزش گذاری بر صنایع بدیعی	۷۴
موسیقی متن، نقش و جایگاه صنایع بدیعی در میان عناصر شعر	۷۵
نقش و جایگاه فنون بلاغی و صنایع بدیعی در دو محور افقی و عمودی متن	۷۶
روش شناسی معنایی و طبع صنایع بدیعی	۷۸
فصل سوم	۸۳
صنایع بدیعی لفظی (صنایع ادبی و کلامی موسیقی لفظی و ظاهری)	۸۳
۱- سجع	۸۴
۱-۱- سجع متوازی	۸۵
۱-۱-۱- تضمین المزدوج	۸۶
۱-۱-۲- ترصیع:	۸۸
۱-۲- سجع مطرف	۸۶
۱-۳- سجع متوازن	۸۷
۱-۳-۱- موازنه	۸۹
۱-۳-۲- ترصیع و موازنه	۸۹
۲- جناس	۹۲
انواع جناس	۹۳

۹۳	۱-۲- جناس تام.....
۹۴	۱-۱-۲- جناس مرکب.....
۹۶	۲-۱-۲- جناس ملَّفَق.....
۹۷	۲-۲- جناس ناقص (مُخَرَّف).....
۹۸	۱-۲-۲- جناس مضارع و لاحق.....
۹۹	۲-۲- جناس خط (مُصَحَّف).....
۱۰۰	۳-۲-۲- جناس اَرْف.....
۱۰۱	۴-۲-۲- جناس ران.....
۱۰۲	۵-۲-۲- جناس لفظ.....
۱۰۳	۶-۲-۲- جناس اشتقاق.....
۱۰۴	۱-۶-۲-۲- جناس شبه اشتقاق.....
۱۰۵	۷-۲-۲- جناس قلب کل.....
۱۰۶	۱-۷-۲-۲- جناس قلب بعض.....
۱۰۷	۳- تکرار.....
۱۰۸	۱-۳- تکرار واج (واج آرای).....
۱۱۲	۲-۳- تکرار هجا.....
۱۱۲	۳-۳- تکرار واژه.....
۱۱۶	۱-۳-۳- رَدَّ الْعَبْزِ إِلَى (علی) الصدر.....

- ۱۱۷..... ۳-۳-۲- ردّ الصدر إلى العجز
- ۱۱۷..... ۳-۳-۳- ردّ العروض إلى الصدر
- ۱۱۷..... ۳-۳-۴- ردّ الإبتدا إلى العروض
- ۱۱۸..... ۳-۳-۵- ردّ الإبتدا إلى الصدر
- ۱۱۸..... ۳-۳-۶- ردّ العجز إلى الإبتدا
- ۱۱۸..... ۳-۳-۷- ردّ الجز إلى العروض
- ۱۱۹..... ۳-۳-۸- ردّ التثنية
- ۱۱۹..... ۳-۴-۴- تکرار جمله
- ۱۲۱..... ۳-۵-۵- تکرار مصراع (ردّ المطلع)
- ۱۲۲..... ۳-۵-۱- طرد و عکس
- ۱۲۴..... ۳-۶-۶- تکرار بیت
- ۱۲۴..... ۳-۷-۷- تکرار بند
- ۱۲۶..... ۴-۴-۱- إعنات (لزوم ما لا يلزم، التزام)
- ۱۲۸..... ۴-۱-۱- حذف و تجرید
- ۱۲۹..... ۴-۲-۲- ذو قافيتين
- ۱۳۰..... ۴-۳-۳- ذو بحرین ، ذو بحور (متلون)
- ۱۳۱..... ۴-۴-۴- توشیح
- ۱۳۳..... فصل چهارم

فهرست مطالب ۱۱

۱۳۳.....	صنایع بدیعی معنوی (صنایع ایجاد کننده موسیقی معنوی در شعر)
۱۳۷.....	۱- تناسب
۱۴۱.....	۱-۱- تضاد
۱۴۲.....	۱-۱-۲- پارادوکس (متناقض نما)
۱۴۶.....	۱-۱-۲-۱- دلیل عکس
۱۴۶.....	۱-۱-۲-۲- قابله
۱۴۷.....	۱-۱-۴- افتاد
۱۴۸.....	۱-۲- تلمیح
۱۵۱.....	۱-۲-۱- اقتباس
۱۵۲.....	۱-۳- جمع
۱۵۳.....	۱-۳-۱- سیاقه الاعداد (اعداد)
۱۵۴.....	۱-۳-۲- تنسيق الصفات
۱۵۵.....	۱-۳-۳- جمع و تفريق يا تقسيم
۱۵۶.....	۱-۵- لفّ و نشر
۱۵۷.....	۱-۶- ارضاد و تسهيم
۱۵۸.....	۱-۷- ارسال مثل
۱۶۰.....	۱-۸- استتباع
۱۶۰.....	۲- تفريق يا تقسيم

- ۱۶۲..... ۳- حسامیزی
- ۱۶۴..... ۴- ایهام
- ۱۶۶..... ۴-۱- ایهام تناسب
- ۱۶۸..... ۴-۱-۱- ایهام تضاد
- ۱۶۹..... ۴-۲- ایهام استخادم
- ۱۷۰..... ۴-۳- اسلوب الکریم
- ۱۷۱..... ۴-۴- تبادل
- ۱۷۳..... ۴-۴-۱- ایهام ترجمه
- ۱۷۳..... ۴-۵- ایهام چندمعنایی
- ۱۷۴..... ۴-۶- ایهام چندگانه خوانی
- ۱۷۵..... ۴-۶-۱- ایهام ساختاری
- ۱۷۶..... ۴-۷- توجیه
- ۱۷۷..... ۴-۸- مدح شبیه به ذم
- ۱۸۰..... ۴-۹- ذم شبیه به مدح
- ۱۷۹..... ۵- استثنای منقطع
- ۱۸۰..... ۶- خلاف آمد عادت
- ۱۸۱..... ۷- التفات
- ۱۸۲..... ۷-۱- تجرید

۱۸۳.....	۸- مذهب کلامی
۱۸۴.....	۹- حسن تعلیل
۱۸۵.....	۱۰- اغراق و مبالغه و غلو
۱۸۶.....	۱۰- ۱- تجاهل العارف
۱۸۷.....	۱۱- براءت استهلال
۱۸۸.....	۱۲- سؤال و جواب
۱۸۹.....	۱۳- ابداع
۱۹۱.....	۱۴- حُسن طلب
۱۹۱.....	۱۵- حسن مطلع
۱۹۱.....	۱۶- حسن مقطع
۱۹۲.....	۱۷- حسن تخلص
۱۹۳.....	۱۸- حشو
۱۹۷.....	۱۹- لُغز
۱۹۷.....	۱۹- ۱- معما
۱۷۹.....	۲۰- اضراب
۱۹۷.....	۲۰- ۱- رجوع
۱۹۸.....	۲۱- تضمین
۱۹۹.....	۲۲- ترجمه

- ۲۰۰ تفنن های بدیعی
- ۲۰۱ ۱- توشیح متکلفانه
- ۲۰۱ ۱-۱- مدور
- ۲۰۱ ۱-۲- مربع
- ۲۰۱ ۲- موش
- ۲۰۲ ۳- مقطع
- ۲۰۲ ۴- واسع الشفتین
- ۲۰۲ ۵- واصل الشفتین
- ۲۰۲ ۶- معجم (جامع الحروف)
- ۲۰۳ ۷- رقطا
- ۲۰۳ ۸- خيفا
- ۲۰۳ ۹- فوق النقاط
- ۲۰۳ ۱۰- تحت النقاط
- ۲۰۴ ۱۱- ذولغتين
- ۲۰۴ ۱۲- تعطيل
- ۲۰۴ ۱۳- منقوط
- ۲۰۵ ۱۴- مصحف
- ۲۰۵ ۱۵- ترلزل

فهرست مطالب ۱۵

۲۰۵	۱۶- معیوق (مدرج).....
۲۰۶	۱۷- قلب مستوی (کامل).....
۲۰۸	یادداشت‌ها.....
۲۱۲	فهرست‌ها.....
۲۱۴	فهرست اصطلاحات.....
۲۲۲	فهرست اسمی، کتاب‌ها.....
۲۳۰	مآخذ.....

مقدمه

از منظر فرمالیستی و به بیان ساده مهم ترین وجه تمایز زبان ادبی از زبان خودکار این است که در زبان ادبی آشنایی زدایی و مدت سبزی اتفاق می افتد و این آشنایی زدایی موجب درنگ و شگفتی مخاطب می شود و درنگ و شگفتی را عواطف و تحریک عواطف، احساسات و تخیل مخاطب است. بنا بر این در زبان ادبی آن آشنایی زدایی را عادت سبزی ارزشمند است که به دنبال خود درنگ و تعجب و در ادامه برانگیختگی عواطف و تخیلات را همراه داشته باشد. در میان اسباب و ترفندهای گوناگون، بلاغت یکی از شگردهایی است که با آن می توان زبان را از حالت اتوماتیسم و خودکاری خارج کرد و به زبان ادبی نزدیک نمود. کسی که می خواهد با تمام ویژگی ها و امکانات زبان ادبی آشنایی حاصل کند و دریافت درستی از جوانب گوناگون متن ادبی، از هر نوع آن، داشته باشد باید با این اسباب و شگردها آشنا باشد. با این وصف غیر ممکن است کسی با بلاغت آشنا نشود. بتواند دریافت، مواجهه و خوانشی مناسب و درست از متن ادبی داشته باشد، چون - همان طور که گفته شد - بخشی از ادبیات هر متن در گرو ترفندها و شگردهای بلاغی به کار رفته در آن است و بلاغت، از هر گونه امر جزء جدایی ناپذیر از ادبیات است و بخشی از درک مناسب از هر اثر ادبی وابسته به اندوختن دانش بلاغی است. به عنوان مثال اگر کسی با ترفند بلاغی «ایهام» آشنا نباشد، هیچ گاه نمی تواند خوانشی دقیق و بایسته از غزل های حافظ داشته باشد و دریافت او از فرم، ساختار و معنای شعر حافظ ناقص است، زیرا این صنعت بلاغی به دلیل ویژگی هایی که دارد (نک: مطالب آمده ذیل این صنعت در این کتاب)، بسیار مورد توجه حافظ بوده و عدم توجه به آن بی بهرگی از طیف های متنوع رنگی از رنگ های پر شمار شعر حافظ است.

اگر بلاغت و شاخه‌های آن را با در نظر داشتن تعریف و دیدگاهی که از زبان ادبی ارائه شد بررسی نماییم، برخی از آرایه‌ها و فنون و صناعاتش یا هیچ نوع آشنایی زدایی و عادت ستیزی ندارند و یا اگر هم موجب آشنایی زدایی و حتی درنگ و تعجب می‌شوند، شرط برانگیختگی عواطف و تخیلات را که اساسی است به همراه ندارند. ما در این کتاب بر اساس این دیدگاه و موضع به بررسی «بدیع» به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی بلاغت پرداخته‌ایم و یکی از دو دلیل نگارش این کتاب - در کنار آثار فراوانی که درباره علم بدیع نوشته شده - همین است. اما دلیل دوم طرح مباحثی است مربوط به بلاغت و بدیع که پیش از پرداختن به صنایع و فنون در این کتاب آمده و به نظر نگارنده بسیار ضروری است.

بر این اساس ذکر چند نکته بسیار ضروری است تا مخاطبان متوجه نوع نگره و موضع ما نسبت به ترفندهای بدیعی باشند و بدین است کسانی که نگرستن به شگردهای بدیعی را از این منظر و موضع نمی‌پسندند، در مواردی با نگارنده هم صد و موافق نیستند و البته دیدگاه و عقیده شان نزد ما محترم است. اما نکاتی که ذکر آنها ضروری می‌باشد در ضمن مباحث کتاب به تفصیل بیشتر به آنها پرداخته شده، از این قرار است: ۱- همان طور که بیشتر گفته شد و در جای جای کتاب هم اشاره شده است، تمام آنچه تحت عنوان صنعت بدیع می‌در آید در آثار بدیعی آمده ارزش زیبایی شناسی ندارد و بسیاری از آنها از مقوله صنعت تراشیدنی و بازیچه است و ما هم به ناچار به دلیل آنکه طیفی از مخاطبان این کتاب دانشجویان می‌باشند و به کار درسی ایشان می‌آید به برخی از مشهورترین آنها پرداخته‌ایم. ۲- هنگام طرح و ارائه تعریف برای صنایع و یا فنون و تفنن‌های بدیعی با توجه به دو معیار ارزشمندی صنایع بدیعی که دارد است از «تأثیر» (برانگیختن عواطف و اقتناع حس زیبایی شناسی) و اصل ایجاد موسیقی و افزودن بر غنای موسیقی کلام، اگر آن فن بلاغی از این دو ویژگی برخوردار بوده، از آن با عنوان صنعت بدیعی یاد کرده و در مواردی که فن بلاغی فاقد این ویژگی‌هاست، متذکر شده‌ایم که این مورد صنعت بدیعی محسوب نمی‌شود و آن را با عناوینی چون فن بدیعی، شگرد و یا تفنن نامیده‌ایم. ۳- با توجه به اینکه استفاده از این صنایع، شگردها و فنون در متون نظم و نثر در همه موارد یکسان نیست و شواهدی از نظم و نثر دقیقاً ذیل یک صنعت یا شگرد بدیعی با یک تعریف واحد قرار نمی‌گیرد - البته این موضوع در مورد سایر علوم و مباحث مربوط به ادبیات چون عروض، قافیه،

معانی، بیان، انواع ادبی و... مصداق دارد و دیده می‌شود-، در معدود موارد عناوین و تقسیم‌بندیهای جدید پیشنهاد شده که دو سه تن از بدیع نویسان نیز به آن اشاره کرده اند و در یکی دو مورد هم این طبقه بندی از جانب نگارنده است، مانند: تکرار جمله، طرد و عکس کامل و ناقص، تلمیح مؤثر و غیر مؤثر؛ البته این موارد انگشت شمار از باب صنعت افزایی-که نگارنده خود از مخالفان آن می‌باشد- نیست و چون با این نمونه‌ها در متون مواجه شده این تقسیم‌بندی‌ها پیشنهاد شده است. ۴- در مواردی از صنایع، فنون و تفنن‌ها مطالبی زیر عنوان «نکته» ذکر شد که اهمیت آنها کمتر از آن صنعت و تعریفش نیست و از خوانندگان می‌خواهیم حتماً به آنها توجه نمایند. اعتقاد راسخ دارم و تأکید می‌کنم تمام حوزه‌ها و علوم مربوط به ادبیات، از جمله علم بدیع، نیازمند بازنگری و بازخوانی است و هیچ اثری آخرین حرف و سخن نیست.

در پایان این مقدمه کوتاه لازم می‌دانم از دو تن از دوستان جوان و فاضلم آقایان دکتر هاشم صادقی محسن آباد و دکتر داود عمارت مرادم، اعضای هیأت علمی دانشگاه نیشابور، که متن کتاب را پیش از چاپ خواندند و نکات سودمندی را متذکر شدند سپاسگزاری نمایم و برایشان از درگاه خداوند متعال آرزوی تندرستی و توفیق دارم. نیز سپاسگزارم از آقای حسین تقفدی کارشناس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی که صفحه آرایی و تهیه فهرست و پیراستن کار هنر ایشان است؛ جناب آقای علی زوار مدیر محترم انتشارات دیرینه سال و معتبر زوار که بخت کردند به نشر این مختصر؛ سرکار خانم نوذری کارشناس محترم و دیگر کارکنان گرانقدر انتشارات زوار.

گمان مبر که به پایان رسیده کار مغان هزار بادۀ خود در رگ تاک است

الحمد لله أولاً و آخراً